

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال بیستم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳ Scopus

صص ۲۴۰-۲۶۷

تبیین ژئواکونومیک امکان‌سنجی خام‌فروشی منابع نفت و گاز در حکمرانی

پیشرفت کشور

دکتر عابد گل‌کریمی* - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران.

احمد کرد - کارشناسی ارشد مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۴

<https://doi.org/10.22034/igq.2024.432922.1827>

چکیده

خام‌فروشی در کشورهای نفت‌خیز از مسائل اساسی آنهاست. در این میان، ایران یکی از کشورهایی است که از این مساله رنج می‌برد. به‌نحوی که در اسناد بالادستی بر توقف صادرات نفت خام تاکید دارد. در پیش‌نویس سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هم به‌عنوان سند فرادستی کلیه اسناد سیاست‌گذاری کشور به کاهش مستمر صادرات مواد خام و جایگزینی آن با زنجیره‌ای از تولید ارزش افزوده تاکید شده است. با این فرض به بررسی این موضوع با بهره‌گیری از تجربیات جهانی به روش اسنادی پرداخته شده است تا با برگزیدن رویکردی مناسب برای تحقق تدبیر سند الگو نائل آمد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و قابلیت‌های ژئواکونومیک انرژی کشور، رویکرد توسعه و تکمیل زنجیره ارزش نفت و گاز، رویکردی ضروری، راهبردی و آینده‌نگرانه برای حکمرانی پیشرفت کشور است که تحقق این مهم، مستلزم برگزیدن رویکرد تلفیقی و ساخت پتروپالایشگاه‌هاست که با اتکاء فناوری‌های پیشرفته، می‌تواند زمینه کاهش مستمر خام‌فروشی را فراهم کند.

واژه‌های کلیدی: خام‌فروشی، ژئواکونومیک، زنجیره ارزش افزوده، سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

۱. مقدمه

انرژی به‌عنوان یکی از عوامل اساسی تولید دارای جایگاه مهمی در نظام اقتصادی است. به طوری‌که مهم‌ترین مسئله هر کشور در دستیابی به رشد و توسعه پایدار، تامین انرژی مطمئن است. در سبد انرژی بیشترین سهم را مصرف نفت به خود اختصاص می‌دهد. همین موضوع اهمیت کشورهای تولیدکننده و دارنده ذخایر نفت را مشخص می‌کند. البته این موضوع باعث وابستگی بالای اقتصاد آنها به درآمدهای حاصل از فروش منابع نفت و گاز شده است. به‌گونه‌ای که بودجه‌ریزی سالیانه این کشورها بدون وجود درآمدهای نفتی، تقریباً غیرممکن خواهد بود. در این میان ایران مستثنایی از این قاعده نیست. کشور ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و قابلیت‌های ژئواکونومیک در داشتن ذخائر عظیم نفت و گاز، یکی از مهم‌ترین کشورهای تامین‌کننده انرژی جهان در سال‌های متمادی به‌شمار خواهد آمد و از اهمیت ویژه‌ای برای حفظ امنیت انرژی جهان برخوردار است (BP,2020:9). با توجه به این ظرفیت مهم راهبردی، هر یک از کشورهای جهان با توجه به موقعیت جغرافیایی و همچنین تولیدکننده یا مصرف‌کننده بودنشان در بخش انرژی، رویکرد خود در استفاده از انرژی را مشخص نموده‌اند و بر مبنای این رویکرد، برای بخش انرژی برنامه‌ریزی می‌کنند. ایران هم یکی از اقتصادهای در حال توسعه مبتنی بر منابع طبیعی (گاز، نفت و معادن مختلف) است و توسعه اقتصادی‌اش از زمان اکتشاف صنعتی نفت بر پایه صادرات نفت خام شکل گرفته است و تاثیرگذاری این ماده در ساختار اقتصادی-سیاسی آن، چنان بوده که مطالعه تاریخ سیاسی و تحولات اجتماعی در یک قرن اخیر ایران بدون در نظر گرفتن نفت ناقص و مبهم خواهد بود، به عبارتی پدیده‌ای نو در ایران ظهور کرده بود و در سده نونین تقریباً بر همه جوانب زندگی ایرانیان از فرهنگ تا سیاست و اقتصاد سایه افکنده بود (Katoozian,2002:112). نفت این ماده خام پیامدهای ماندگاری برای توسعه سیاسی کشور به همراه داشت چنانچه از آن پس همواره بر عقاید سیاسی نگرش‌ها و حوادث ایران نفوذ و تأثیر داشته است (Gazierowski and Byrne,2005:34) اما گذشته از این، این عامل نوسانات شدید رابطه مبادله را طی سال‌های متمادی به همراه داشته است. به‌همین خاطر در اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران بر توقف خام‌فروشی به‌عنوان سیاستی تکلیفی در نظام حکمرانی کشور

تاکید شده است. بر این مبنا، ضرورت کاهش وابستگی به این ماده خام و تبدیل آن به ارزش افزوده و تنوع سبد صادراتی به عنوان یکی از ارکان اساسی پیشرفت اقتصاد ملی، همواره از مهم‌ترین سیاست‌ها و دغدغه‌های سیاستگذاران در ایران معاصر بوده است. اما با این وجود در نظام بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی کشور، کمتر این مهم عملیاتی شده و حکمرانی انرژی را به سمت خام‌فروشی سوق داده شده است و هنوز نتوانسته صنایع بالادست و پایین دست نفت و گاز خود را متناسب با ذخایر عظیمش بصورت مطلوب و متوازن گسترش دهد. این درحالی است که کشورهای مختلف راهبردها و الگوهای منطقی، غیررانتی، رقابتی و متنوعی را با توجه به شرایط و اقتضائات داخلی، برای توسعه زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز دنبال کرده‌اند. با این دغدغه و با درک این ضرورت، سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با توجه به اهمیت جایگاه ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین دارندگان و تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت خام و گاز دنیا، در تدبیری بر کاهش مستمر خام‌فروشی در افق زمانی سند تاکید داشته است. حال این سوال به ذهن متبادر می‌شود که این راهبرد در چه شرایطی ممکن و تحقق پیدا می‌کند و با توجه به تجربیات جهانی، اتخاذ چه رویکردی می‌تواند مطلوب و منجر به مدیریت بهینه انرژی منابع نفت و گاز در جهت کاهش مستمر خام‌فروشی مدنظر سند الگوی اسلامی ایرانی شود؟

از این رو، این پژوهش ضمن ارائه تصویری از وضعیت نفت و گاز کشور، به دنبال بررسی مواجهه اسناد بالادستی با خام‌فروشی است تا از این طریق بتوان با برگزیدن رویکردی متناسب با موقعیت ژئواکونومیک ایران به تجویزها و دلالت‌های سیاستی ممکن برای تحقق تدبیر شماره ۲۲ سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در راستای کاهش مستمر خام‌فروشی مواد خام در هندسه حکمرانی پیشرفت کشور نائل آمد.

۲. مفاهیم و مبانی نظری پژوهش

۲-۱. خام‌فروشی

مواد طبیعی به طور هدفمند از محیط به دست می‌آیند، چه به صورت جزئی یا به طور کلی و در نتیجه تبدیل به مواد خام می‌شوند که هر کدام حداقل یک مورد استفاده دارند. بنابراین مواد طبیعی استخراجی به عنوان نقطه شروع فرآیندهای بعدی (Marschallek and Jacobsen, 2020:

2) در خام‌فروشی باید درک و تعریف شوند. بیان ساده‌تر مواد خام به مواد ناتمام یا منابع طبیعی تصفیه نشده اطلاق می‌شود که برای تولید کالاهای نهایی استفاده می‌شود (Vaidya,2023). نقطه شروع درک خام‌فروشی است. خام‌فروشی به فروش مواد اولیه‌ای (معدنی، آلی، کشاورزی و...) اطلاق می‌شود که فرآوری خاصی بر روی آن صورت نگرفته یا در مرحله‌ای از تولید است که هنوز آماده استفاده و رسیدن به دست مصرف‌کننده نهایی نیست (Jahanbin,2018). به عبارتی دیگر، به فروش یا صادرات بدون فرآوری مواد اولیه طبیعی عموماً تجدیدنپذیر، خام‌فروشی گویند. در واقع، خام‌فروشی به معنای فروش مواد معدنی یا کشاورزی به شکل مستقیم و بدون طبقه‌بندی کالا، بسته‌بندی و تبدیل به کالاهای مشتق شده و بدون ایجاد یک زنجیره ارزش افزوده برای آن ماده معدنی یا کشاورزی است. به طوریکه با فروش منابع طبیعی به صورت خام ارزش افزوده این منابع نصیب دیگر کشورها می‌شود (Rezaei,2023).

۲-۲. زنجیره پیش‌رونده تولید ارزش افزوده در نفت و گاز

منظور از ارزش افزوده، افزایش در ارزش پولی یک کالا بر اثر انجام کار یا خدمتی بر روی آن است که سبب تغییر کاربرد، بهبود کیفیت یا تسهیل مصرف آن شود (Rahmani,2004:39). محصولی که ارزش آن با ساخت، فراوری و یا بازاریابی خاص افزایش یافته است (Clarck, 2023). ارزش افزوده اقتصادی شاخصی برای اندازه‌گیری عملکرد بر اساس سود واقعی اقتصادی، محصول شرکت است که امکان اندازه‌گیری موفقیت یا شکست آن را در یک دوره زمانی برای سرمایه‌گذارانی مفید است که می‌خواهند تعیین کنند محصول چقدر برای آنها ارزش دارد و می‌توان برای تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای با مشابه صنعتی استفاده شود. ارزش افزوده به زبان ساده یعنی ارزشی که در هر مرحله به کالا یا خدمات افزوده می‌شود. ارزش افزوده مربوط به کالا یا خدماتی است که زنجیره‌ای چند مرحله‌ای از تولید تا مصرف دارند. طبعاً در هر مرحله از این زنجیره، به دلیل کاری که روی کالا انجام می‌شود، ارزشی به آن افزوده می‌شود (National Tax Affairs Organization,2023:7). در واقع آنچه در اینجا معنا دارد زنجیره ارزش منابع یا مواد خام است نه زنجیره تامین؛ چرا که این دو با هم تفاوت دارند. یکی از بنیادی‌ترین تفاوت‌ها بین زنجیره تامین و زنجیره ارزش اینست که در زنجیره تامین، با تولید و توزیع محصولات سر و

کار داریم. اما در زنجیره ارزش به یک محصول در هر مرحله از جمله برنامه‌ریزی، طراحی، توسعه و تحویل یک ارزش افزوده می‌شود. اما زنجیره تامین هیچ ربطی به افزودن ارزش به محصول نهایی ندارد. دومین تفاوت زنجیره تامین و زنجیره ارزش اینست که زنجیره تامین از تولید مواد خام شروع شده و تا تحویل محصول نهایی خاتمه می‌یابد. زنجیره ارزش با جستجوی مواد خام شروع شده و با افزودن ارزش به محصول پایان می‌یابد. زنجیره پیش‌رونده تولید ارزش افزوده در مواد خام طبیعی به ویژه نفت و گاز یعنی ضمن جلوگیری از خام‌فروشی آنها در هر مرحله از زنجیره تبدیل و فرآوری آنها بر ارزش آنها افزوده شود و از نظر اقتصادی صرفه بیشتری بر محصول افزوده می‌شود (Sayadi and Barkeshli, 2016:40).

راهبردها و الگوهای متنوعی برای ارتقاء ارزش افزوده در صنعت نفت و گاز در جهان وجود دارد. زنجیره ارزش نفت و گاز از چهار حلقه اصلی «اکتشاف و تولید»، «پالایش»، «پتروشیمی» و «صنایع پایین‌دستی پتروشیمی شامل صنایع پلیمری و صنایع شیمیایی» تشکیل شده است و کشورهای مختلف با توجه به شرایط و اقتضائات داخلی خود، راهبردها را این گونه انتخاب کرده‌اند که در کدام یک از حلقه‌های یادشده، حضور جدی‌تر داشته باشند (Sayadi and Barkeshli, 2016:40).

۲-۳. ژئواکونومی

ژئواکونومی از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته (Hafeznia, 2016:122) و به نظر می‌رسد سیاست که عامل مهمی در ژئوپلیتیک بوده، جای خود را به اقتصاد داده است (Ezati and Vaisi, 2006:29). ژئواکونومی یکی از جنبه‌های ژئوپلیتیک است که بر اقتصاد به‌عنوان ابزار و یکی از اشکال مناسبات قدرت تأکید می‌کند (Mojtahedzadeh, 2017:29). در ژئواکونومی جنبه‌هایی از اقتصاد مورد توجه قرار می‌گیرد که عمدتاً با جغرافیا پیوند دارد. همچنان‌که بعد فرهنگی ژئوپلیتیک، ژئوکالچر نامیده می‌شود، و وقتی آب تبدیل به موضوع ژئوپلیتیکی می‌شود، از آن به هیدروپلیتیک یاد می‌شود، بعد اقتصادی ژئوپلیتیک نیز ژئواکونومی است. در حقیقت ژئواکونومی را می‌توان ژئوپلیتیکی شدن اقتصاد یا اقتصاد ژئوپلیتیکی نیز در نظر

گرفت (Mokhtari Hoshi, 2018:57). به نظر می‌رسد یک تعریف سه‌بخشی از ژئواکونومی می‌تواند تا حدود زیادی جامعیت داشته باشد: «ژئواکونومی استفاده از ابزارهای اقتصادی برای دفاع از منافع ملی و تولید نتایج مفید ژئوپلیتیکی؛ و تأثیر اقدامات اقتصادی سایر ملت‌ها بر اهداف ژئوپلیتیکی کشور است». اولین بخش، استفاده از ابزارهای اقتصادی برای پیشینه کردن و دفاع از منافع ملی؛ دومین بخش؛ فهم اینکه چگونه (حداقل از نظر تئوریک) قدرت اقتصادی داخلی می‌تواند موجب ارتقای تصویر قدرت یک کشور در نظام بین‌الملل شود؛ و سومین بخش؛ تأثیر اقدامات اقتصادی دیگر ملت‌ها و کشورها بر اهداف ژئوپلیتیکی کشور (Blackwill and Harris, 2016:20). ژئواکونومی، به دلیل تعدد بازیگران در سطوح مختلف، پیچیده و متفاوت از ژئوپلیتیک است. استفاده از قدرت نظامی برای رسیدن به اهداف اقتصادی، جنبه‌ای از ژئوپلیتیک است نه ژئواکونومی (Clinton, 2011). منطق ژئوپلیتیک عمدتاً منطق حاصل جمع صفر است، در حالی که منطق ژئواکونومی منطق حاصل جمع مثبت است (همه طرف‌ها می‌توانند برنده باشند) (Mandelbaum, 2014:9). ژئواکونومی جنبه‌ای از ژئوپلیتیک است که ابزارها و عوامل اقتصادی بر آمده از فضای سرزمینی است که تعیین‌کننده مناسبات قدرت است (Janparvar, 2017:136). حال اگر مقیاس قدرت کشور و دولت‌ها باشد ضمن اثرگذاری بر قدرت و منافع ملی، تعیین‌کننده مناسبات آن با دیگر کشورها و منطقه و جهان در ساختار قدرت است (Fakherjaffar and et, 2023:6). این واقعیت‌های ژئواکونومیک شامل مسئله نیاز به دستیابی به بازارهای جهانی، تأمین منابع مالی از بازارهای بین‌المللی، رقابت اقتصادی با همسایگان، تعارضات منطقه‌ای، منافع مشترک اقتصادی، مسئله وابستگی تأمین منافع ملی به محیط سیاست بین‌الملل و... است.

۳. روش‌شناسی

مقاله حاضر به لحاظ ماهیت از نوع پژوهش‌های تحلیلی- توصیفی و به لحاظ هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی است و داده‌ها و اطلاعات آن کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع مکتوب شامل کتب و مقالات، اسناد، آمارنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی مربوطه گردآوری شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. وضعیت نفت و گاز در حکمرانی انرژی ایران

الف) وضعیت منابع نفت و گاز

ایران دارای بیش از ۱۸۰ میدان کشف شده است، اما تا کنون بیش از نیمی از ذخایر کشف شده، توسعه یافته‌اند. کشور ایران با در اختیار داشتن ۱۶۳/۱ میلیارد بشکه نفت (نفت خام، میعانات و مایعات گازی)، پس از کانادا، ونزوئلا و عربستان سعودی با ۱۲ درصد منابع نفت جهان دارای چهارمین ذخایر قابل استخراج نفت در جهان است که ۷۱ درصد آن در خشکی و ۲۹ درصد در دریا قرار دارد. همچنین حجم منابع گاز طبیعی ایران ۳۳/۵ تریلیون متر مکعب است و ایران از این لحاظ پس از کانادا و روسیه با ۱۸ درصد از گاز جهان در جایگاه سوم جهانی قرار دارد که از این مقدار حدود ۳۹ درصد در مناطق خشکی و ۶۱ درصد آن در مناطق دریایی است (Fitch Solutions, 2021). بر اساس آمارنامه بی پی، ایران همچنین به ترتیب با در اختیار داشتن ۹,۳ و ۱۹,۵ درصد از ذخایر نفت متعارف جهان و خاورمیانه و قرار گرفتن در منطقه‌ای نفت خیز، جایگاه مهمی در جهان به عنوان بزرگترین دارنده مجموع منابع هیدروکربوری نفت و گاز متعارف دارد (BP, 2021).

بر اساس گزارش شرکت ملی نفت ظرفیت تولید روزانه نفت، گاز و میعانات گازی ایران حدود به ترتیب ۴ میلیون بشکه، ۸۵۰ میلیون مترمکعب و ۷۵۰ هزار بشکه در سال ۱۳۹۵ است، همچنین مقدار تزریق گاز به بیش از ۷۷ میلیون مترمکعب در روز رسیده، به طوری که هم‌اکنون در ۹ میدان (بی بی حکیمه، پارسی، آغاچاری، کوپال، گچساران، مارون، کرنج، نرگسی و هفتکل) تزریق گاز صورت می‌گیرد و بازگردانی گاز هم در میدان پازنان و تزریق امتزاجی گاز در میدان دارخوین در حال انجام است. به نظر می‌رسد ایران تا سال ۲۰۲۵ از نظر پتانسیل اکتشافی نفت و گاز به ترتیب رتبه ششم و پنجم جهان را در اختیار خواهد داشت (Ministry of Oil, 2023). تا کنون نزدیک به نیمی از ذخایر نفتی اثبات شده جهان شامل انواع نفت خام و میعانات برداشت شده است، اما با وجود اینکه ایران یکی از نخستین کشورها در آغاز تولید تجاری نفت بوده،

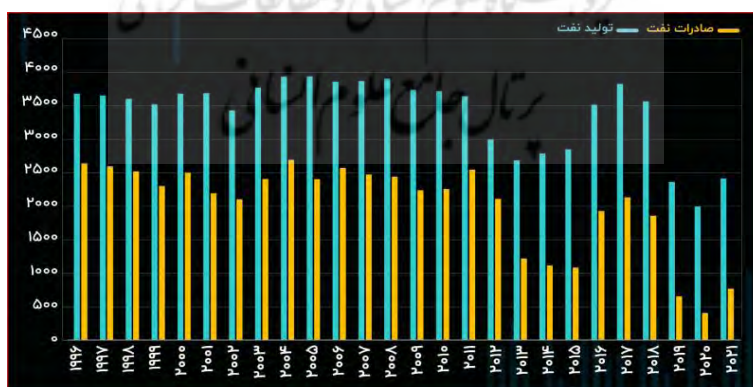
کمی بیشتر از یک سوم ذخایر اثبات شده‌اش را برداشت کرده است. نتایج حاصل از اکتشافات نفت و گاز نشان می‌دهد که ۲۵ درصد ذخایر نفتی در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی کشف شده، در حالی که در بخش گاز، عمده اکتشاف‌ها (۷۵ درصد) مربوط به دوران پس از پیروزی انقلاب بوده است. از مجموع ذخایر نفتی کشف شده، ۴۵ درصد توسعه‌نیافته است که این مقدار در بخش گاز به ۷۷ درصد می‌رسد که چشم‌انداز خوبی را پیش پای برنامه‌ریزان و سیاستگذاران می‌گذارد. اما یکی از واقعیت‌های پیش‌روی ایران این است که اغلب مخازن نفتی کشور در نیمه دوم عمر خود قرار دارند و ظرفیت تولید سالانه آنها به طور متوسط نزدیک به ۲۰۰ هزار بشکه کاهش می‌یابد (Farhadi, 2010: 17).

تحلیل‌ها حاکی از آن است که تا اواسط دهه بعد، ایران می‌تواند به کاهش تولید در میادین بالغ خود را از طریق بهره‌برداری از ذخایر توسعه‌نیافته جبران نماید. اما چالش اصلی از اواسط دهه آتی این است که حفظ سطح تولید، تنها از طریق بهره‌برداری از چاه‌های بسیار بیشتر، تزریق سهم بیشتری از گاز طبیعی تولید شده، استفاده از استخراج مصنوعی و سرمایه‌گذاری سنگین در شیوه‌های بازیافت ثانویه، امکانپذیر خواهد بود. با وجود این انتظار می‌رود درآمد ناخالص، روند رو به رشدی داشته باشد، اما افزایش هزینه‌های تولید (به دلیل عوامل یاد شده) همراه با بیشتر شدن مصرف آتی انرژی در داخل کشور موانعی در رشد قابل توجه درآمد حاصل از صادرات نفت از سال ۲۰۲۵ است (Azadi and et al, 2016).

روند صادرات نفت خام در ایران از زمان کشف آن در سال ۱۲۷۸ خورشیدی و تبدیل شدن نفت به کالایی استراتژیک برای اقتصاد ایران در ۱۹۲۰ و تاکنون دارای افت و خیز زیادی بوده است و با نوسانات ناخواسته اقتصاد ایران را ناامن و نامطمئن کرده است. به نحوی که با هر شوکی اقتصاد ایران را شرطی و دیگر ابعاد حکمرانی را به ویژه در حوزه سیاسی و اجتماعی تحت‌الشعاع قرار داده است. تولید نفت ایران در ۱۹۷۴ با ۶ میلیون بشکه رکورد بالاترین سطح خود را زد و پیامدهای بد اقتصادی خود را بر جای گذاشت (Hedayat, 2023). با وقوع انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی صادرات نفت کاهش چشمگیری پیدا کرد و در ۱۹۸۱ به ۷۱۵ هزار بشکه در روز رسید. پس از آن تا ۱۹۸۹ با نوساناتی همراه بود و پس از پایان جنگ از مرز

۲ میلیون بشکه گذر کرد. طبق گزارش‌های مراجع بین‌المللی ایران در سال ۲۰۰۴ حدود ۴ میلیون بشکه در روز تولید و به‌طور متوسط روزانه ۲ میلیون و ۶۱۸ هزار بشکه صادر کرده است (Opec, 2004) که این بیشترین مقدار در طی ۴ دهه اخیر بوده است و ایران توانست بیش از ۶۱۸ میلیارد دلار نفت در بازارهای جهانی برای خود کسب کند. اما این دیری نپایید که در سال ۲۰۱۱ صادرات نفت ایران از ۲ میلیون و ۵۳۷ هزار بشکه به نزدیک ۱ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۲ رسید و تا ۲۰۱۵ ادامه داشت (BP, 2012; Dipaola and Chmaytelli, 2012). به عبارتی دیگر، تولید نفت ایران با کاهش ۲۲ درصدی و صادرات آن با کاهشی ۵۷ درصدی روبرو شد. پس از برجام صادرات نفت ایران در ۲۰۱۶ با افزایش ۷۸ درصدی به نزدیک ۲ میلیون بشکه در روز رسید (Ghorban Oughloo, 2013). در سال ۲۰۱۸ بار دیگر تحریم‌های نفتی علیه ایران رقم خورد و صادرات نفت در سال ۲۰۱۹ با افت چشمگیری به ۶۵۱ هزار بشکه در روز رسید؛ رقمی که حتی از سال‌های ابتدایی شروع جنگ تحمیلی پایین‌تر بود. این کاهش تا جایی ادامه یافت که در سال ۲۰۲۰ و همزمان با شیوع ویروس کرونا، تولید نفت به یک میلیون و ۹۸۸ هزار بشکه و صادرات آن به ۴۰۴ هزار بشکه در روز رسید (Opec, 2020)؛ یعنی کمترین مقدار حداقل از سال ۱۹۸۰. وضعیت صادرات نفت البته در ادامه کمی بهبود یافت و ایران در سال ۲۰۲۱، روزانه ۷۶۳ هزار بشکه نفت صادر کرده است (شکل ۱).

شکل (۱): سیر تولید و فروش نفت ایران از ۱۹۹۶ تا ۲۰۲۱



(Source: Ecoiran)

مصرف نفت و فرآورده‌های نفتی در تامین انرژی کشور چشم‌گیر است، به گونه‌ای که بر اساس گزارش BP در سال ۱۳۹۵ نزدیک ۳۰ درصد از عرضه اولیه انرژی به صنایع مختلف از طریق نفت تامین شده است. در سبد مصرفی انرژی کشور، گاز طبیعی و فرآورده‌های نفتی به ترتیب نزدیک ۷۰ و ۳۰ درصد است (BP, 2018). کاهش مصرف فرآورده‌های نفتی به دلیل رشد مصرف گاز و امکان بهره‌مندی از این منبع انرژی در کل کشور است که باعث شده سهم مصرف نفت و فرآورده‌های نفتی همواره رو به کاهش باشد. استفاده فراگیر از گاز طبیعی باعث شده است که ایران دارای دومین ذخایر گاز دنیا است و با مصرف نزدیک ۹۴ درصد آن، سومین مصرف‌کننده گاز در دنیا باشد. یعنی با وجود حجم عظیم منابعی که در اختیار دارد، هیچ درآمد متناسب چشمگیری و قابل توجهی از بابت صادرات گاز عاید کشور نمی‌شود (Our Oil Analysis Site, 1401).

با این وجود همواره نفت نقش مسلط را در اقتصاد کشور ایفا کرده است. در این میان می‌توان وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی و تامین نیاز ارزی کشور از طریق نفت را اشاره کرد. به طور متوسط ۵۰ درصد بودجه عمومی کشور به نفت وابسته است و بیش از ۷۰ درصد نیاز ارزی کشور از طریق نفت تامین می‌شود. گذشته از این، سهم بخش نفت در تولید ناخالص داخلی در طی ۲۰ سال گذشته به طور متوسط نزدیک ۱۶ درصد بوده است (Taheri Fard, 2021: 63). اما در طول سال‌های اخیر از اهمیت این ماده حیاتی برای اقتصاد ایران کاسته شده و دیگر جایگاه قبل را ندارد اما نقشی که نفت و گاز در توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران می‌توانند ایفا کنند را نباید نادیده گرفت؛ چرا که این منابع عظیم خدادادی باعث شده ایران از نظر جایگاه ذخایر نفت و گاز در رتبه دوم دنیا قرار گرفته باشد و همین موقعیت ژئواکونومیک باعث می‌شود که در آینده امنیت و تامین انرژی جهان، کشور نقش اساسی داشته باشد.

ب) وضعیت صنعت پالایش نفت و گاز ایران

ایران با در اختیار داشتن ۱۰ پالایشگاه رتبه دهم کشورهای پالایشی جهان و دومین خاورمیانه و شمال آفریقا بعد از عربستان است و سال ۲۰۱۷ در حدود ۲/۴ درصد تولیدات پتروشیمی جهان و ۲۲/۵ درصد تولیدات خاورمیانه توسط صنعت پتروشیمی با ظرفیت اسمی ۶۴ میلیون تن در

سال و ظرفیت عملی ۵۳/۳ میلیون تن در ایران تولید شده است. با یک نگاه کلی به صنعت پالایش کشور می توان دریافت که وجود ۷ پالایشگاه نفت با عمر بالغ بر ۳۰ سال در کشور موجب شده ایران در زمره پیرترین صنایع پالایش نفت در جهان قرار گیرد (Mahmodi and et al, 2018: 6). در حال حاضر آمریکا با داشتن بیش از ۱۴۰ پالایشگاه و ظرفیت پالایش روزانه ۱۸ میلیون و ۶۵۰ هزار بشکه صدرنشین کشورهای پالایشی است که ۱۹ درصد ظرفیت پالایشی جهان را از آن خود کرده است. چین با ۱۴/۱ میلیون بشکه ظرفیت پالایش در سال ۲۰۱۶ رتبه دوم صنعت پالایشی جهان را دارد و را دارد. عربستان به دلیل برخورداری از خوراک مایع حاصل از پالایشگاه‌ها و پروپان و بوتان حاصل از گازهای همراه نفت در تولید الفین و آروماتیک و مشتقات آنها رقیب اصلی ایران در منطقه است. عربستان در سال ۲۰۱۷ تعداد ۹ پالایشگاه نفتی با مجموع ۲/۹ میلیون بشکه‌ای فعالیت داشتند. ایران همواره به دلیل تقاضای داخلی نیاز به واردات فرآورده‌های نفتی داشته است هر چند کشور ایران در بعضی از فرآورده‌ها از جمله گاز مایع و نفت کوره صادرکننده محسوب می شود (Mahmodi and et al, 2018: 13).

اگر در کنار این منابع و صنایع، موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ایران نیز در نظر گرفته شود به خوبی می توان فهمید که نفت و گاز نه تنها به عنوان دو عامل مخرب در اقتصاد ایران در نظر گرفته نمی شوند، بلکه می توان با برنامه ریزی و سیاستگذاری صحیح از آنها به عنوان عوامل اصلی توسعه اقتصادی ایران در بلندمدت استفاده کرد.

۵. تجزیه و تحلیل

۵-۱. جایگاه کشورهای جهان در زنجیره ارزش نفت و گاز و درک موقعیت ایران

وضعیت نفت و مشتقات آن در بخش‌های مختلف مصرفی دنیا تا سال ۲۰۴۵ میلادی مطابق با گزارش چشم انداز جهانی نفت تا سال ۲۰۴۵ سازمان اوپک این طور نشان می دهد که وضعیت مصرف نفت و میعانات گازی در مصارف مختلف از جمله حمل و نقل، صنعت و در بخش حمل و نقل جاده‌ای در سال ۲۰۴۵ میلادی متوقف خواهد شد و روی رقم ۴۷ میلیون بشکه در روز ثابت خواهد شد. یکی از دلایل این موضوع متنوع شدن سبد سوختی خودروها در سال‌های آینده است. در بخش صنعت نیز عمده رشد مصرف نفت در بخش پتروشیمی خواهد بود که

حکایت از توسعه صنعت پتروپالایشگاهی در آینده دارد. مصرف نفت و میعانات گازی در سایر مصارف از جمله در حوزه مصارف خانگی، تجاری و کشاورزی تا سال ۲۰۴۵ تقریباً ثابت خواهد ماند و در حوزه تولید برق در نیروگاه‌ها مصرف نفت حدود یک میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۴۵ میلادی کاهش خواهد یافت. مجموعاً مصرف نفت و میعانات گازی در مصارف حمل و نقل، صنعت و غیره از ۹۹/۷ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۹ میلادی به ۱۰۹/۱ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۴۵ میلادی خواهد رسید (Saiedi, 2021:17) و با توجه به این موضوع کشورهای جهان با توجه به موقعیت ژئواکونومیک و همچنین تولیدکننده یا مصرف‌کننده بودن در بخش انرژی، رویکرد خود در استفاده از انرژی را مشخص نموده‌اند و بر مبنای این رویکرد، برای بخش انرژی برنامه‌ریزی می‌کنند (Omidi, 2019:28). از جمله این رویکردها می‌توان به «انرژی به عنوان نهاده (سوخت) فعالیت‌های اقتصادی» مانند اکثر کشورهای حوزه خلیج فارس، «انرژی به عنوان ماده خام و خوراک زنجیره ارزش» مانند کشورهای چین و سنگاپور، «انرژی به عنوان کشنده صنعت» مانند کشور آلمان، «انرژی به عنوان تامین‌کننده درآمدهای ارزی» مانند کشور نروژ و «انرژی به عنوان ابزار دیپلماسی و امنیت بین‌المللی» مانند کشور روسیه، اشاره کرد. اینها رویکردهای غالب و اصلی جهان در مواجهه با انرژی هستند (Economic path Analysis Website, 2017) که البته عموماً در یکی از موارد فوق خلاصه نشده و ترکیبی از این موارد را هم شامل می‌شود؛ اما همواره یکی از این رویکردها بر سایر رویکردها غلبه دارد و مبنای عمل قرار می‌گیرد. اما گذشته از این، هر کدام از کشورهای جهان با توجه زنجیره ارزش رویکردی را انتخاب می‌نمایند که مبنای سیاستگذاری در صنعت نفت و گازشان هست. بدین ترتیب، اگر زنجیره ارزش نفت و گاز از چهار حلقه اصلی «اکتشاف و تولید»، «پالایش»، «پتروشیمی» و «صنایع پایین‌دستی پتروشیمی شامل صنایع پلیمری و صنایع شیمیایی» تشکیل شده باشد، کشورهای مختلف با توجه به شرایط و اقتضائات داخلی خود، راهبردشان را اینگونه انتخاب کرده‌اند که در کدام یک از حلقه‌های مذکور حضور جدی‌تر و پررنگ‌تری داشته باشند. به عنوان نمونه آلمان و کره جنوبی با توجه به نبود منابع نفت و گاز داخلی، از حلقه پالایش تا صنایع پایین‌دستی پتروشیمی را بخوبی توسعه داده‌اند و در واقع بدین صورت خلاصه واردات نفت خام را با ایجاد

ارزش افزوده بالا جبران نموده‌اند. اما کشور نفت خیزی همچون عربستان، فقط در دو حلقه ابتدایی یعنی تولید و پالایش ورود جدی داشته؛ هر چند که در چند سال اخیر اقداماتی در جهت توسعه زنجیره ارزش نفت و گاز و ورود پر رنگ‌تر به صنایع پتروشیمیایی انجام داده است (شکل ۲) (Gholamalipour, 2022:21).

شکل (۲): نحوه توسعه زنجیره ارزش نفت و گاز در جهان



به‌طور کلی می‌توان گفت که کشورهای دارای منابع نفت و گاز حداقل در دو حلقه ابتدایی تولید و پالایش حضور جدی و فعال دارند، هر چند که کشورهای نفت خیزی همچون آمریکا، تا انتهای زنجیره ارزش نفت و گاز را بخوبی توسعه داده‌اند. اما کشورهایی که منابع نفت و گاز ندارند، برای ایجاد سودآوری و حاشیه سود بالا، نیاز به توسعه بیشتر زنجیره ارزش و حضور جدی در حلقه‌های انتهایی پتروشیمی و صنایع پایین دستی آن دارند، در غیر این صورت سرمایه‌گذاری در حوزه صنعت نفت و گاز، برای این کشورها بازده اقتصادی نخواهد داشت.

لذا با این رویکردها در زنجیره ارزش نفت و گاز در دنیا، خام‌فروشی مخالفان و موافقانی دارد که هر کدام دلایل خاص خود را دارند و نحوه مواجهه با این موضوع، بستگی به شرایط کشورها و موقعیت ژئواکونومیک و ژئوانرژی آنها دارد که تعیین می‌کند که چه زمانی خام‌فروشی یا عدم خام‌فروشی به‌صرفه و یا به صلاح اقتصاد کشورشان است. در این راستا، کارشناسان اقتصاد انرژی ابراز می‌دارند تجویز خام‌فروشی در هر کشوری وابسته به ۴ عامل است که تعیین‌کننده موقعیت ژئواکونومیک آن در بخش انرژی است. نخست؛ میزان و عمق نسبی ذخایر موجود در

کشور، دوم؛ میزان تولید سالانه، سوم؛ توانایی صنعتی و سطح فناوری و چهارم اشتغال کامل؛ یعنی تمامی این چهار شرط برای مقرون به صرفه بودن خام‌فروشی ضروری است (Ourei, 2015). شاید خام‌فروشی در نگاه اولیه سودی بسیار هنگفت برای یک جامعه به ارمغان می‌آورد اما باعث می‌شود که حاکمیت سودهای کمتر ناشی از مشتقات آن را اصلاً حس نکند و مفهومی به نام رقابت برای فرآورده‌های نفتی از بین می‌رود و توازن آن به هم می‌خورد؛ چرا که برای یک دولت هیچ چیزی با درآمد ناشی از فروش نفت خام برابری نمی‌کند. بدین ترتیب، به پاره‌ای از استدلال‌های موافقان و مخالفان خام‌فروشی نفت و گاز اشاره می‌شود.

۵-۲. استدلال‌های موافقان

دلایل ذیل می‌تواند نشان دهد خام‌فروشی برای کشور یک ضرورت است:

۱) **پایین بودن حاشیه سود صنعت پالایشگاه:** یک باور فراگیر در بیشتر کشورهای نفت‌خیز اینست که نباید نفت را به صورت خام فروخت و باید به سمت فروش محصولات پالایش شده روی آورد. این باور احتمالاً ریشه در مشاهدات مربوط به صنایع دیگر (مثلاً الکترونیک) دارد که ارزش افزوده تبدیل ماده خام به محصول نهایی در آن‌ها خیلی بالا است. واقعیت این است که در صنعت نفت چنین قاعده‌ای حاکم نیست. ظرفیت مازاد پالایشگاه در دنیا زیاد است و حاشیه سود ناشی از پالایش نفت خام بسیار پایین است. در ایران هم با اینکه هزینه تولید نفت خام پایین است و حاشیه سود فروش نفت خام بسیار بالا است. اما بر اساس آمار موجود سود خالص ناشی از پالایش چیزی حدود ۲-۳ دلار در بشکه است که در قیاس با سود ۴۰-۸۰ دلاری کشور ما از فروش نفت خام بسیار اندک است که در بهترین حالت ممکن است با تامین کلیه زیرساخت‌های لازم بین ۷ تا ۱۸ دلار به این رقم اضافه می‌شود (Information base of the Ministry of Oil). با این وجود تامین این صنعت بسیار سرمایه‌بر است.

۲) **بهره‌مندی صاحبان نفت از رانت منابع:** به لحاظ تاریخی استخراج و پالایش منابع نفتی کشورها عموماً توسط شرکت‌های بین‌المللی و خارجی شروع شد. این شرکت‌ها مبلغ چندانی برای بهره مالکانه به کشور میزبان نمی‌پرداختند و سودهای بالایی کسب کردند. شاید یک ریشه موضوع خلط سود ناشی از خرید ارزان نفت و صرف عملیات پالایش در گذشته است. در طول

زمان و خصوصاً با ظهور اوپک، کشورهای نفت خیز سهم خود از رانت منابع پایان پذیر را طلب کردند و تعادل تقسیم مازاد در این فرآیند کم کم به سمتی رفت که عمده رانت موجود در زنجیره به صاحبان نفت می رسد و بخش پالایش تبدیل به یک صنعت استاندارد، با سود اقتصادی صفر شد.

۳) هزینه پایین جابجایی نفت: اقتصاد پالایش نفت و گاز با هم تفاوت اساسی دارد. نفت خام را می توان با هزینه اندکی در سراسر دنیا جا به جا کرد. در نتیجه نیازی نیست که پالایش نفت در نزدیک محل تولید صورت بگیرد. از این حیث کشورهای زیادی صاحب پالایشگاه هستند، بدون این که هیچ ذخیره نفتی داشته باشند. این قاعده برای گاز صادق نیست. گاز به سادگی قابل جابه جا نیست و جابه جایی آن هزینه بر است. در حالیکه خروجی پتروشیمی گازی خیلی ساده تر جابه جا می شود. در نتیجه منطق اقتصادی حکم می کند که پتروشیمی گازی نزدیک به محل تولید گاز ایجاد شود. این الزام یک موقعیت انحصاری برای صاحبان گاز ایجاد کرده و باعث می شود که پتروشیمی گازی دارای مازاد مثبت (رانت) باشد. هر چند که با رقابت موجود در صنعت پتروشیمی گازی دنیا این مازاد رو به کاهش است.

۴) پایین بودن سهم نفت از تولید جهانی محصولات پالایشی: اکثریت مطلق نفت خام تولید شده در دنیا صرف بخش حمل و نقل می شود. نزدیک ۵۰ درصد نفت خام به بنزین و دیزل و نزدیک ۳۰ درصد دیگر صرف تولید نفت سفید و سوخت کشتی و هواپیما و امثال آن می شود. مقداری از خروجی پالایشگاه ها هم محصولات کم ارزش تری مثل نفت کوره و قیر است. هر چند که نفت های خروجی پالایشگاه می تواند در پتروشیمی استفاده شود ولی سهم آن از تولید جهانی محصولات پالایشی کوچک است. در نتیجه عمده محصولات با ارزش مثل انواع پلاستیک ها و کودهای شیمیایی عمدتاً از پتروشیمی های گاز محور تولید می شوند.

۵) ریسک بالای تولید محصولات پالایشی: در این تحلیل موضوعاتی مثل ریسک پالایشگاه، آلودگی محیط زیستی آن و هزینه اضافه شده بابت پالایش در مبداء وارد نشده است. محصولات پالایشی فرارتر و حساس تر از نفت خام هستند و هزینه حمل شان از نفت خام بیش تر است و لذا نفت هر قدر نزدیک به «محل مصرف» پالایش شود اقتصادی تر است. ضمن این که با

سخت‌گیرتر شدن مقررات محلی کیفیت و امور محیط‌زیستی، بازاریابی و فروش محصولات پالایش‌شده ریسک بیش‌تری دارد تا نفت خامی که محصول استاندارد است و همه جای دنیا مشتری دارد (Quddoosi, 2015).

۳-۵. استدلال‌های مخالفان خام‌فروشی

۱) تغییر نسل پالایشگاه‌ها و حرکت آنها به سمت تنوع بیشتر تولیدات: امروزه به‌واسطه پیشرفت فناوری پالایشگاه‌ها تغییر نسل می‌دهند و از ساده به سمت پیچیده و فوق پیچیده حرکت می‌کنند و این اتفاق منجر به به تولید طیفی از محصولات مانند گاز مایع، بنزین، نفت سفید، سوخت جت، گازوئیل، آروماتیک‌ها، الفین‌ها، پلی‌اتیلن‌ها و پلی‌پروپیلن‌ها تا محصولات نهایی نظیر روغن اتومبیل و قیر، از نفت خام می‌شود که بر ارزش اقتصادی نفت خام بیش از پیش می‌افزاید.

۲) ایجاد اشتغال و اثرات اجتماعی: پالایشگاه‌ها گردش مالی عظیمی را در اقتصاد ایجاد می‌کنند و به نوعی قلب اقتصاد انرژی محسوب می‌شوند. از این‌رو، توسعه صنعت پالایشگاهی یکی از ابزارهای ایجاد اشتغال برای کشور مثل ایران است که در آن نرخ بالایی دارد بسیار موثر است و با توسعه و تکمیل زنجیره ارزش نفت و گاز بر افزایش اشتغال خواهد افزود و نشاط اجتماعی برای نسل جوان و تحصیل‌کرده رقم خواهد زد که اثرات آن می‌تواند بر دیگر بخش‌های حکمرانی کشور موثر افتد.

۴-۵. توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و قابلیت‌های ژئواکونومیک ایران در بازار منطقه‌ای انرژی

از جمله دلایل مهمی که جلوگیری از خام‌فروشی نفت و گاز را ایجاب می‌نماید، درک موقعیت ژئوپلیتیک و قابلیت ژئواکونومیک کشور در تاثیرگذاری و تاثیرپذیری از بازار منطقه‌ای و جهانی انرژی است. ایران به‌لحاظ تولید و مصرف انرژی از لحاظ ژئواکونومیک در موقعیت مناسبی در مناطق اطراف خود قرار دارد (Minaei, 2005: 15).

در این راستا می‌تواند موقعیت ژئوپلیتیک خود را بهبود و هاب منطقه شود و ایران در طی سال‌های آینده موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود در اقتصاد انرژی را حفظ کرده و حتی

شاهد تقویت آن خواهد بود (Manei and et al, 2021: 691). موقعیت ژئوپلیتیکی از سه منظر برای جلوگیری از خام‌فروشی و توسعه و تکمیل زنجیره ارزش افزوده، قابل تحلیل و بررسی است.

۱) بازار مصرف فرآورده‌های نفتی کشورهای منطقه و داشتن خلاء ژئوپلیتیک در این زمینه:

افزایش تولید نفت در کشورهای همسایه از جمله کردستان عراق، منطقه جنوبی عراق، آذربایجان و ترکمنستان ادامه داشته و در مقابل بازارهای وسیع‌تری از مصرف فرآورده‌های نفتی در شرق ایران در افغانستان، پاکستان، سریلانکا، هندوستان، چین، مالزی و اندونزی وجود دارد. در همین حال کشورهای تولیدکننده یادشده به لحاظ ملاحظات استراتژیک خود به دنبال ساخت پالایشگاه جهت حفظ امنیت تامین انرژی خود هستند، اما با چالش‌هایی که در تولید فرآورده‌های نفتی دارند، نمی‌توانند نقش‌آفرین باشند. از این‌رو، این در شرایطی است که موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در میان همسایگان ایجاب می‌کند از مزیت پایدار خود به‌عنوان پل اتصال، برای حضور مستمر و موثر در بازار فرآورده‌ها استفاده کند. بدین ترتیب، با ساخت پالایشگاه‌ها پیچیده و فوق‌پیچیده آتی می‌تواند به سادگی ضمن تامین نیاز فرآورده‌های نفتی خود از منطقه، نزدیک ۶ میلیون بشکه (۲۰۴ میلیون بشکه بیش از ظرفیت کنونی) را فرآوری کند و به بازار مصرف شرق و جنوب خود صادر کند. گذشته از این، در کنار مزیت خرید نفت ارزان از مناطق بدون دسترسی به دریای آزاد نظیر آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و کردستان عراق و جنوب عراق که گاهاً تا ۱۰ درصد نفت خود را ارزان‌تر از قیمت جهانی واگذار می‌کنند و تصفیه و فروش آن در کنار ایجاد زنجیره انبارها و پمپ بنزین در هند و چین به‌عنوان ابر بازارهای آتی فرآورده‌ها می‌تواند بازدهی بیش از سود تولید نفت خام نیز به همراه داشته باشد. به گونه‌ای که هر ۲ تا ۵ بشکه ظرفیت پالایشی عملاً ارزشی معادل ۱ بشکه ظرفیت تولید نفت خام به همراه داشته باشد (Darabi, 2015). همچنین سرمایه‌گذاری در بهسازی پالایشگاه‌ها موجب می‌شود تا از هدررفت ۳۰ درصد نفت خام به صورت نفت کوره در برخی از پالایشگاه‌ها جلوگیری کند. از این‌رو، ایران می‌تواند وضعیت تاثیرگذاری در بازار فرآورده‌های رو به گسترش در منطقه داشته باشد و از صرفه‌عملیات در مقیاس وسیع استفاده کند و ضمن دستیابی به سود تولید و صادرات نفت خام، به بخشی از نیازهای خود را در اشتغال نیروی انسانی و ایجاد زنجیره‌های ارزش افزوده در این راستا دست

می‌یابد. بنابر این، ایران با این کار می‌تواند سود قابل ملاحظه‌ای علاوه بر سود تولید نفت برای خود داشته باشد و ضمن نیازسازی اقتصادی در کشورهای منطقه، هم ضریب امنیتی و اقتصادی خود را با بازیگری در بازار انرژی منطقه ارتقاء بخشد.

۲) روی‌آوری کشورهای منطقه به سمت ساخت پالایشگاه و تنوع‌بخشی به محصولات نفتی: از موثرترین راه‌های جلوگیری از خام‌فروشی و ایجاد زنجیره ارزش‌افزوده در حال حاضر سرمایه‌گذاری در مجتمع‌های پتروشیمی و پتروپالایشگاهی هست. این موضوع در کشورهای صاحب منابع غنی نفت و گاز منطقه و جهان بسیار مورد توجه هست و سرمایه‌گذاری عظیمی در این کشورها در حال انجام است. یکی از دلایل ژئوپلیتیکی که ایجاب می‌کند ایران به سمت توسعه صنایع پائین‌دستی نفت و گاز و تولید محصولات نفتی حرکت کند، روی‌آوری کشورهای منطقه به ساخت پالایشگاه‌های نفتی و پتروشیمی با استفاده از توانایی‌های داخلی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است که با این عمل می‌خواهند هم تولیدات داخل خود را تامین و هم بازار منطقه‌ای را دست بگیرند و ادامه این روند باعث حذف ایران و نیازسازی اقتصادی برای خود می‌باشد و موقعیت ژئوپلیتیک کشور را متاثر کند. از جمله این پروژه‌ها سرمایه‌گذاری مشترک در مجتمع پتروشیمی امیرال ۱۱ میلیارد دلاری آرامکو است که با همکاری شرکت توتال انرژی فرانسه در عربستان سعودی در حال انجام است (Oil and Gas Middlesat, 2023). دومین پروژه بزرگ نفت و گاز عمان در دسامبر ۲۰۲۱، توسط شرکت توسعه نفت و گاز عمان؛ در منطقه بیال خوف به ارزش ۲.۶ میلیون دلار آغاز به کار کرده است. این پروژه با مساحت ۱.۶۸ کیلومتر مربع، ظرفیت تولید ۲۰ هزار بشکه نفت خام و ۵ میلیون متر مکعب گاز در روز را خواهد بود. مجتمع پتروشیمی نبراس عراق یک سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت رویال داچ شل است که شامل ساخت بزرگ‌ترین کارخانه پتروشیمی در منطقه با هزینه تقریباً ۸.۵ میلیارد دلار است. شرکت انرژی و معادن بیکران هند پالایشگاه نفت جدیدی در منطقه و بندر الحمریه شارجه راه‌اندازی می‌کند. این شرکت فعال در عرصه انرژی هند زمینی به مساحت ۲۰۰ هزار متر مربع را از سازمان منطقه آزاد شارجه برای ساخت یک پالایشگاه نفت چند منظوره اجاره کرده است.

در بیانیه ای اعلام شده که تاسیسات جدید ظرفیت فرآوری ۱۰ هزار بشکه در روز و ظرفیت پالایش سالانه تا ۳.۶ میلیون بشکه نفت خام را خواهد داشت (Menon, 2023).

۳) **پرکردن خلاء ژئوپلیتیک تحریم‌ها از سوی نظام بین‌الملل جهت فشار:** محاصره اقتصادی جمهوری اسلامی ایران توسط آمریکا از روزهای اولیه پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده و به تدریج با رشد تصاعدی افزایش یافت، بلوکه کردن دارایی‌های ایران و در حال حاضر تحریم‌های بی‌سابقه بانک‌ها، افراد و شرکت‌ها و صدور نفت ایران، به‌همین منظور کشور باید خود را برای مقابله با سیاست‌های خصمانه کشورهای مثل آمریکا خود را آماده سازد و برای بوجود آمدن یک اقتصاد مقاومتی به اقتصادی سالم و توسعه یافته نیاز است (Seyd Shukri and Kaviani, 2018:3). از همین‌رو، آمریکا و همدستانش همواره به‌دنبال روزنه‌ای بوده‌اند که با انواع تحریم‌ها، کشور را با مشکل مواجه کنند. یکی از این روزنه‌ها که از نگاه آنها دور نمانده، وابستگی ایران به صادرات نفت و واردات فرآورده‌های نفتی به‌ویژه بنزین بوده است. بزرگ‌ترین آسیب تحریم‌ها علیه ایران جلوگیری از واردات بنزین و به‌خطر انداختن امنیت انرژی کشور است که در طی این سال‌ها سعی شده از این روزنه کشور دچار مخاطره شود. از این‌رو، توسعه صنعت پالایشگاهی و تولید فرآورده‌های نفتی گام موثری در امنیت انرژی کشور است. علاوه بر مشکلات مربوط به واردات بنزین و به‌خطر افتادن امنیت تامین انرژی کشور، زیان‌های خردکننده‌ای به لحاظ صادرات نفت خام سنگین کشور و فروش میعانات به صورت خام متحمل شده است. از این‌رو، همزادی تحریم‌ها با شرایط سیاسی و اقتصادی کشور و اصرار نظام سلطه بر تداوم آن، ایجاب می‌کند که توسعه صنایع پالایشگاهی و تولید بنزین در صدر برنامه‌ها باشند تا از این منظر ضمن پرکردن خلاءهای ژئوپلیتیکی، نه تنها امنیت اقتصادی کشور بلکه امنیت ملی از مخاطرات تحریم‌های نظام سلطه مصون شود.

پس می‌توان گفت خام‌فروشی نفت در عین سادگی و سهل‌الوصول بودن، مضراتی را برای کشور به همراه دارد و ضمن وابسته‌کردن بودجه جاری کشور، به راحتی تحریم‌پذیر است و از همه مهمتر کشور را از عواید تولید فرآورده‌های با ارزش نفتی محروم می‌نماید. در مقابل رویکرد توسعه زنجیره ارزش نفت و گاز بجای خام‌فروشی، موجب ایجاد ارزش‌افزوده و رونق صنایع

مرتبط با آن، اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم می‌شود و به علت معاملات خرد و متنوع و غیرقابل رصد از منظر فنی، امکان فروش و بازاریابی آن در شرایط تحریم و غیرتحریم راحت‌تر از نفت خام است و عملاً قابل تحریم نیست. همچنین با توجه به تغییر سبک زندگی در کشورهای توسعه‌یافته، مصرف مواد پتروشیمیایی برخلاف فرآورده‌های سوختی روند رو به رشدی دارد و لذا تغییر رویکرد از خام‌فروشی به توسعه زنجیره ارزش نفت و گاز، کاملاً ضروری، راهبردی و آینده‌نگرانه است. با این دلایل ژئواکونومیک ایجاب می‌کند حکمرانی انرژی کشور به سمت توسعه صنایع پایین‌دستی نفت و گاز حرکت کند تا از این منظر بتوان ضمن ارتقا وزن و منزلت ژئوپلیتیک کشور در راستای هاب‌شدن در تولید فرآورده‌های نفتی در منطقه و جهان گام برداشت.

۵-۵. جایگاه خام‌فروشی منابع نفت و گاز در اسناد بالادستی نظام

منابع طبیعی و انرژی به‌ویژه نفت و گاز همواره در اسناد بالادستی مورد توجه بوده است و بر جلوگیری و توقف خام‌فروشی و افزایش تولید فرآورده‌های نفتی و نیز توسعه صنایع پایین‌دستی نفت و گاز تاکید شده است. علاوه بر قانون اساسی و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ به‌عنوان اسناد پایه‌ای پیشرفت کشور در همه حوزه‌ها، سیاست‌های کلی نظام در عرصه‌ها و برنامه‌های توسعه به موضوع نفت و انرژی و مدیریت بهینه آنها در جهت پیشرفت کشور توجه داشته‌اند. از جمله می‌توان به سیاست‌های کلی نظام در برنامه‌های توسعه، بخش انرژی و اقتصاد مقاومتی اشاره داشت، که به منابع نفت و گاز و بسترسازی برای ایجاد ارزش‌افزوده از آنها از سوی مقام معظم رهبری توصیه شده است که سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان سرلوحه فعالیت خود در مدیریت و حکمرانی انرژی قرار دهند.

سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در مورد «انرژی» توسط مقام معظم رهبری تایید و مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۳ ابلاغ گردید. طبق این سند سیاست‌های کلی نفت و گاز دارای چندین محور است که به آنها اشاره می‌شود:

الف) اتخاذ تدابیر و راهکارهای مناسب برای گسترش اکتشاف نفت و گاز و شناخت کامل منابع کشور.

ب) افزایش ظرفیت تولید صیانت شده نفت متناسب با ذخایر موجود و بر خورداری کشور از افزایش قدرت اقتصادی و امنیتی و سیاسی.

ج) تلاش لازم و ایجاد سازماندهی قانونمند برای جذب منابع مالی مورد نیاز (داخلی و خارجی) در امر نفت و گاز و پتروشیمی.

د) جایگزینی صادرات فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی به جای صدور نفت خام و گاز طبیعی از محورهای مورد تاکید در این سند که به آنها اشاره شد، یک محور به طور ویژه بر توقف خام فروشی نفت و گاز و توسعه صنایع پتروشیمی پرداخته است و صادرات فرآورده های انرژی را به جای صادرات خام منابع تجویز می کند.

سپس در سال ۱۳۹۲ سیاست های کلی نظام اقتصاد مقاومتی ابلاغ شد که در بندهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ به نحوه مواجهه با نفت و گاز در حکمرانی اقتصادی کشور در دوره تحمیل تحریم های اقتصادی از سوی قدرت های دنیا پرداخته است و با گزاره های سیاستی بر کاهش خام فروشی و ایجاد ارزش افزوده در این عرصه بدین شرح تاکید شده است.

در بند ۱۳ این سند «جهت مقابله با ضربه پذیری درآمد حاصل از نفت و گاز ضمن ایجاد تنوع در روش ها و مشارکت بخش خصوصی در فروش، بر صادرات پتروشیمی و فرآورده های نفتی» تاکید شده است. سپس در بند ۱۵ به طور صریح بر «افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده های نفتی با تاکید بر برداشت صیانتی از منابع» اشاره شده است.

کاهش خام فروشی منابع طبیعی به ویژه نفت و گاز در برنامه های توسعه با انحاء مختلف به صورت مستقیم و غیرمستقیم به آن تاکید شده است. بررسی سیاست های کلی برنامه های توسعه سیر تحول مواجهه با صنایع نفت و گاز و حاکم شدن رویکرد کاهش خام فروشی در حکمرانی انرژی را نشان می دهد. در این راستا، رویکردهای تکلیفی برنامه های توسعه در طی این سال ها در جدول ذیل به صورت جمع بندی شده ارائه می شود.

جدول (۱): جمع‌بندی رویکردهای سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه در مواجهه با خام‌فروشی نفت و گاز

برنامه	زمان ابلاغ	جمع‌بندی رویکرد برنامه
سوم	۱۳۷۸	- کاهش تکیه بر درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام
چهارم	۱۳۸۲	- بهره‌برداری بهینه از منابع با تبدیل درآمد آنها به دارایی‌های مولد - توجه به مزیت نسبی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در هم‌افزایی فعالیت‌های اقتصادی
پنجم	۱۳۸۷	- تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن - استفاده از مزیت نسبی نفت و گاز در زنجیره صنعتی و خدماتی و پایین‌دستی وابسته بدان
ششم	۱۳۹۴	- تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن - افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز و کاهش شدت انرژی
هفتم	۱۴۰۱	- افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز

همان‌طوری که ملاحظه شد در سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه در برنامه‌های اول و دوم جهت‌گیری مشخصی در خصوص خام‌فروشی دیده نمی‌شود ولی از برنامه سوم به بعد در طیفی از مفاهیم رویکرد مواجهه با صنعت نفت و گاز از کمتر تکیه کردن به درآمدهای نفتی و تغییر نگاه در این عرصه تا افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعتی به‌عنوان مزیت نسبی این صنایع به چشم می‌خورد و به‌نوعی بر کاهش خام‌فروشی منابع به‌ویژه نفت و گاز و بالابردن ارزش افزوده این منابع خدادادی در فعالیت‌های اقتصادی در جهت پیشرفت کشور تاکید شده است. بنابراین، در کنار تاکیدات اسناد بالادستی که به‌صورت پیدا و پنهان در بهره‌مندی بهینه از منابع نفت و گاز، به کاهش مداوم خام‌فروشی به‌عنوان یکی از اولویت‌های پیشرفت کشور تاکید کرده‌اند، در سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هم متناسب با موقعیت ژئوپلیتیک و قابلیت‌های ژئواکونومیک انرژی کشور در تدبیری به‌درستی به کاهش مستمر خام‌فروشی تاکید نموده است که تحقق این مهم مستلزم:

۵-۶. الزامات

۱. رویکرد تلفیقی در مدیریت و مالکیت صنایع پالایشی و پتروشیمی: یکی از مهم‌ترین و موثرترین راه‌ها در ارتقا ارزش افزوده منابع نفت و گاز و زنجیره ارزش آن مستلزم حرکت به سمت ساخت و توسعه پتروپالایشگاه‌هاست. در ترمینولوژی صنعت نفت ایران، یکپارچه‌سازی

پالایشگاه و پتروشیمی، پتروپالایشگاه نامیده می‌شود. این یکپارچگی در اصطلاح رایج دنیا، مجتمع پالایش و پتروشیمی نام دارد. باید توجه داشت که هدف از ساخت مجتمع‌های پتروشیمی در مجاورت پالایشگاه تأمین خوراک واحد پتروشیمی و ایجاد زنجیره ارزش است. ذخایر عظیم نفتی و قیمت پایین نفت خام تولیدی در داخل کشور می‌تواند یک فرصت بی‌نظیر برای توسعه صنعت پالایش و پتروشیمی در ایران باشد. متأسفانه رویکرد تلفیقی پتروپالایشی در کشور ضعیف است و همین موضوع نیز سبب شده است که صنعت پالایش به تنهایی از اقتصاد ضعیفی برخوردار باشد. این در حالی است که صنعت پالایش به‌عنوان یک صنعت زیرساخت و بنیادی در کنار سایر صنایع تکمیلی از جمله مجتمع‌های شیمیایی، پلیمری، روغن‌سازی، قیرسازی و سایر محصولات ویژه از اقتصاد مطلوب‌تری برخوردار خواهد بود. در شرایط فعلی ساخت و راه اندازی پالایشگاه‌ها نفت در مقایسه با طرح‌های پتروپالایشگاهی سودآوری اقتصادی پایین‌تری دارند. به‌منظور افزایش سودآوری، بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها طرح یکپارچه‌سازی پالایشگاه‌های نفت و مجتمع‌های پتروشیمی به‌عنوان یک راه‌حل می‌تواند بسیار مفید باشد. با توجه به آغاز روند خصوصی‌سازی مجتمع‌های پتروشیمی و پالایشگاهی نفت، باید ساخت و راه اندازی طرح‌های پتروپالایشگاهی از زمان آغاز هر یک از این واحدها در دستور کار قرار گیرد. برنامه‌های دولت‌ها معطوف به ساخت پتروشیمی‌های بر مبنای خوراک گاز است و عمده صادرات محصولات پتروشیمی کشور محصولات بر پایه خوراک گاز است؛ از جمله متانول و اوره که نسبت به محصولات با پایه خوراک مایع از جمله پلی پروپیلن‌ها ارزش‌افزایی کمتری دارد، محصولات بر پایه گاز از جمله اوره و آمونیاک و متانول با هدف صادراتی تولید می‌شوند و در زنجیره ارزش محصولات مورد نیاز صنایع پایین‌دستی کشور قرار نمی‌گیرند، این موضوع به روشنی از عدم توازن توسعه صنعت پتروشیمی کشور بین دو گروه محصولات پایه و نهایی تولید شده در این صنعت است. توسعه پتروپالایشگاه‌ها و تولید محصولات بر پایه خوراک مایع می‌تواند در اصلاح روند موثر باشد. پتروپالایشگاه با هدف تنوع در محصولات، کاهش قیمت تمام‌شده محصولات، بهینه‌سازی راندمان، افزایش سودآوری و بهینه‌سازی مصرف انرژی پایه‌ریزی شده است. پیکربندی پتروپالایشگاه‌ها متناسب با نوع خوراک، ساختار زنجیره ارزش

و بازار هر کشور متفاوت است. لذا یکی از مهم‌ترین راهکارها برای تثبیت نسبی اقتصاد کشور و جلوگیری از تأثیرپذیری شدید اقتصاد از نوسانات قیمت نفت و همچنین دستیابی به حاشیه سود بسیار بالاتر و رونق اقتصادی باید در کنار حفظ بازار فروش نفت خام در جهان، تمهیدات لازم در جهت احداث واحدهای پتروپالایشی در کشور اندیشیده شده و به صورت جدی به مرحله اجرا در بیاید. در این صورت علاوه بر کاهش خام‌فروشی، شاهد رونق اقتصادی نیز در کشور خواهیم بود. با وجود اهمیت این صنعت به‌عنوان یک صنعت استراتژیک چالش‌های عمده هم‌گریبانگیر این صنعت است که مهم‌ترین آنها کاهش و کمبود سرمایه‌گذاری - تاخیر در اجرای پروژه‌ها - عدم استقرار مناسب طرح‌ها فقدان طرح آمایش سرزمین - عدم توجه به امیت زنجیره ارزش و وجود ابهام در قیمت خوراک (Mirjalili, 2013:8).

۲. توسعه زنجیره ارزش نفت و گاز با اتکا به فناوری‌های پیشرفته: فناوری و لایسنس بر خلاف تجهیزات، خریدنی نیست. فناوری‌های حیاتی باید در کشور بومی شوند تا ماندگار بمانند. ضمن اینکه مزیت اصلی بعضی کشورها بصورت کلی در فناوری‌های پیشرفته نهفته است. به عنوان مثال در کشور آلمان، راهبرد فناوری پیشرفته و طراحی لایسنس مرتبط با آن، به خوبی دنبال می‌شود. همین عامل سبب شده است که با وجود نداشتن منابع نفت و گاز و در حقیقت نبود حلقه ابتدایی زنجیره ارزش، عمق زنجیره ارزش نفت و گاز در کشور آلمان بسیار زیاد باشد و بدین‌صورت حاشیه سود بالایی ایجاد کند. در واقع داشتن فناوری‌های پیشرفته به یک مزیت در حوزه توسعه زنجیره ارزش نفت و گاز برای کشور آلمان تبدیل شده و تا حدودی ضعف نداشتن منابع نفت و گاز را جبران کرده است. همچنین سنگاپور برنامه‌های مختلفی در راستای تربیت نیروی انسانی صنایع پایین‌دست نفت و گاز خود، برای اتخاذ راهبرد مشابه آلمان تا به حال اجرا کرده است.

۶. نتیجه‌گیری

نتیجه آنکه، با توجه به ارزیابی شرایط و اقتضائات داخلی ایران و مصون ماندن از آثار بد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی خام‌فروشی نفت و گاز و توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و قابلیت‌های ژئواکونومیک انرژی ایران و همچنین تاکیدات اسناد بالادستی کشور، رویکرد

توسعه و تکمیل زنجیره ارزش نفت و گاز به جای خام فروشی از ابتدا تا انتهای زنجیره، رویکردی ضروری، راهبردی و آینده‌نگرانه برای حکمرانی پیشرفت کشور با نگاه به تجربیات جهانی است که با در پیش گرفتن کاهش مستمر خام‌فروشی نفت و گاز، ضمن خنثی کردن تحریم‌ها، می‌توان به تعریف درستی از منابع نفتی در حکمرانی اقتصاد کشور نائل آمد و از این ظرفیت بزرگ، به بهترین شکل در جهت پیشرفت استفاده نمود. از این رو، ضروری است در یک ساحت هماهنگ و اولویت‌دار، سرلوحه فعالیت حکمرانی انرژی کشور به‌عنوان مزیت نسبی اقتصاد ایران نگاه و بکار گرفته شود. این همان رویکردی است که در سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در تدبیری آگاهانه به آن اشاره و تجویز شده است و یکی از راه‌های موثر دستیابی کشور به پیشرفت ترسیمی در افق سند است. تحقق این مهم در افق الگو ضمن داشتن زمان، مستلزم روی‌آوری حکمرانی اقتصاد انرژی کشور به سمت رویکرد تلفیقی مالکیت و مدیریت صنایع پالایشی و پتروشیمی و ساخت پتروپالایشگاه‌ها و توسعه زنجیره ارزش نفت و گاز با اتکاء به فناوری‌های پیشرفته است.

۷. قدرتدانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به‌خاطر فراهم کردن شرایط پژوهش و همچنین هیات تحریریه و داوران محترم فصلنامه که با دقت نظر خود بر غنای این مقاله افزودند، کمال تشکر و قدرتدانی را داشته باشند.

References

1. Anthony, D; Chmaytelli, M (2012). Iran Threatens to Halt Crude Exports If Sanctions Intensify, Bloomberg, October 23, 2012 at 6:06 PM GMT+3:30.
2. Azadi, P; Dehghanpour, H; Sohrabi, M; Madani, K (2016). The Future of Iran's Oil and Its Economic Implications, Stanford Iran 2040 Project.
3. Blackwill, R; Jennifer, H (2016). War by Other Means. Harvard University Press.
4. BP (2018). Statistical Review of World Energy June 2018-all data, Annual statistical bulletin 2018
5. BP. (2021) Statistical Review of World Energy, [https://www. bp. com// statisticalreview](https://www.bp.com/statisticalreview).
6. Clark, C (2023). Value added, merriam - webster: [https:// www. Merriam - webster. com/ dictionary/](https://www.Merriam-webster.com/dictionary/)
7. Darabi, H (2015). Why is Hamed Qudousi's opinion about the refinery industry not correct?, Petrochemical Analytical News Base, article code: 35897. **[In Persian]**
8. Deol, P (2023). India's Infinite Mining to launch new oil refinery in Sharjah's Hamriyah Free Zone, Zawya Projects: <https://www.zawya.com/en/projects/oil-and-gas/indias-infinite-mining-to-launch-new-oil-refinery-in-sharjahs-hamriyah-free-zone-nntvkdp0>.
9. Energy Balance Sheet of the Country, (2010). **[In Persian]**
10. Ezzati, E; Veisi, H (2006). Geopolitical and geoeconomic analysis of the Iran-India gas pipeline. Geopolitics Quarterly. Year 2 (2.) 27-. **[In Persian]**
11. Fakher Jafar, Z; Janparor, M; Bahramijaf, S (2023). Investigating the geoeconomic factors affecting the relations between Iran and Iraq, the first national conference on the role of architecture and urban planning on the tourism of border cities, Islamic Azad University, Urmia branch. **[In Persian]**
12. Farhadi, E (2010). Iran and Energy Security, Strategic Report, Vice President of Foreign Policy Research, Strategic Research Center, Expediency Analysis Council, No. 326. **[In Persian]**
13. Fitch Solutions. (2021). Iran; Oil & Gas Report, Q3 2021, Includes 10-year forecasts to 2030
14. Gazierowski, M; Byrne, M (2005). Mossadegh and the coup, translated by Ali Murshidzad, Tehran: Qaseida Sera Publishing. **[In Persian]**
15. General Policies of the system in the first, second, third, fourth, fifth, sixth, seventh, energy and resistance economy programs. **[In Persian]**
16. Gholamalipour, A (2021). Strategies and requirements for the development of the oil and gas value chain, policy report, Resistance Economy Think Tank, ID: 140101119. **[In Persian]**
17. Hafeznia, M.R (2016). Principles and concepts of geopolitics (with revisions and additions), Mashhad: Papli Publications. **[In Persian]**

18. Hedayat, H (2023). Iran's highest and lowest oil exports in four decades, Eco Iran website, article code: 34793. **[In Persian]**
19. Information Base of the Ministry of Oil. (2022). Statistics and information section, accessible: **[In Persian]** [https:// www. mop. ir/ fa-IR/ Portal/ 5058/ page/ %D8 %A2 %D9% 85%D8 %A7 %D8 %B1-%D9%88-%D8%A7%D8%B7%D9%84%D8%A7%D8%B9%D8%A7%D8%AA](https://www.mop.ir/fa-IR/Portal/5058/page/%D8%A2%D9%85%D8%A7%D8%B1-%D9%88-%D8%A7%D8%B7%D9%84%D8%A7%D8%B9%D8%A7%D8%AA)
20. Jahanbin, A (2018). Selling raw materials and its consequences in Iran's industry and economy, Iranian window magazine, year 12, number 141. **[In Persian]**
21. Janparvor, M (2016). Geopolitics for everyone. Tehran: Choseh Publication; **[In Persian]**
22. Katoozian, M. A (2002). Iran's political economy from constitutionalism to the end of the Pahlavi dynasty, 8th edition, translated by: Mohammad Reza Nafisi and Kambyz Azizi, Tehran: publication Nahr-e-Karzan. **[In Persian]**
23. Mahmoudi, A; Sheikhi, A; Rahmani, S (2018). Petrorefineries and their importance in completing the oil value chain and examining its situation in Iran, report of the Islamic Council Research Center, serial number: 16479. **[In Persian]**
24. Mandelbaum, M (2014), The Road to Global Prosperity (New York: Simon and Schuster, 2014), xvi– xvii.
25. Marschallek, B; Jacobsen, T.E (2020). Classification of material substances: Introducing a standards-based approach, Materials & Design, Volume 193, August 2020, 108784.
26. Minaei, M (2005). Investigating the geo-economic status of the Islamic Republic of Iran and its role in ensuring and promoting national security, Sarzemin Geographical Quarterly, No. 6. **[In Persian]**
27. Mirjalili, F (2013). Analyzing the solutions for the implementation of the general policies of the resistance economy in the petrochemical industry, report of the Research Center of the Islamic Council, serial number: 13707. **[In Persian]**
28. Mojtahedzadeh, P (2016). Political geography and geographic politics. Tehran: Samit Publications. **[In Persian]**
29. Mokhtari Hoshi, H (2017). Explanation of the concept of geoeconomics (geopolitical economy) and recommendations for Iran, Geopolitics Quarterly, No. 2, pp. 56-82. **[In Persian]**
30. Muniei, M; Lotfi, H; Ezzati, E; Shariat Panahi, M. (2018). Iran's geo-economic position in the economic strategies of world powers at the global and peripheral levels, Geography Scientific-Research Quarterly (Regional Planning), No. 4. **[In Persian]**
31. Oil and Gas Middle East (2023). UAE, Saudi, Oman: Top 5 oil and gas project launches to watch out for, by Staff Writer: <https://www.oilandgasmiddleeast>.

- com/news/uae-saudi-oman-top-5-oil-and-gas-project-launches-to-watch-out-for.
32. Opec, Oil Market Report, July 2020.OPEC (June 13th, 2004). Oil Market Report, Retrieved from www.opec.org “Ovidius” University Annals, Economic Sciences Series, Volume XVII, Issue 1 /2017.
 33. Our Oil Analysis Website. (March 10,2022). Gas consumption in Iran is equal to that of China, article code: 153305. **[In Persian]**
 34. Ourei, S.K (2015). four factors that are a criterion for the cost-effectiveness of selling raw materials, economic News, article code: 150494. **[In Persian]**
 35. Qudousi, H (2015). Refinery industry with figures, petrochemical analytical news base, article code: 35935. **[In Persian]**
 36. Rahmani, T (2005). Macroeconomics, 9th edition, Tehran: Baradaran Publishing House. **[In Persian]**
 37. Rezaei, H (2023). The old problem of selling raw materials and its powerful supporters, Kayhan newspaper, article code: 268168. **[In Persian]**
 38. Saiedi, M (2021). Investigating different approaches to the development of the country's petroleum refining industry, report of the Research Center of the Islamic Council, serial number: 17870. **[In Persian]**
 39. Sayadi, M; Barkeshli, F (2011). The short-term and long-term effects of international oil sanctions on Iran's energy sector, Deputy Economic Research, No. 155. **[In Persian]**
 40. Seyedshekari, K; Kaviani, M (2011). Economic Strength; Its characteristics, opportunities and threats, report of the Research Center of the Islamic Council, serial number: 12817. **[In Persian]**
 41. Taheri Fard, A (2020). A look at the role and position of oil in Iran's economy from the historical perspective and economic components, Scientific Monthly of Oil and Gas Exploration and Production, No. 197. **[In Persian]**
 42. Tax Affairs Organization. (2008). Value added tax law. **[In Persian]**
 43. Vaidya, D (2023). Raw Materials, WallstreetmojoTeam: [https:// www.wallstreetmojo. com/raw-materials/](https://www.wallstreetmojo.com/raw-materials/).

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by the Iranian Association of Geopolitics. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

